

همشهری:

اصلاحات تمام شده، اصلاح طلبان هم ته خط اند #۴۷؛ آنها تغییر نام و جابه‌جایی راهبرد دارند

اصلاح طلبان پس از واگذاری مناصب قدرت سیاسی به رقیب نتوانسته‌اند چشم‌اندازی برای آینده این جریان ترسیم کنند. فعالیت سیاسی آنها از بهار ۱۴۰۰ روند معکوس گرفته و به انکار گذشته، خروج از ذیل نام اصلاح‌طلبی و متهم کردن شرکای دیروز رسیده‌اند.

به گزارش سایت خبری پرسون، گام اول، دوم و سوم اصلی‌ترین پویش انتخاباتی آنها در رقابت‌های انتخاباتی ۱۳۹۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ بود و از ۱۴۰۰ گام‌های معکوس برمی‌دارند.

خودآگاهی از یک شکست

افول اقبال مردم به جریان اصلاح‌طلبی ۸ سال پس از حضور در متن قدرت سیاسی علت اصلی این انزوای سیاسی بوده و فاصله زیادی با توجیه ردصلاحیت‌ها در انتخابات داشته است. برآوردهای متعدد انتخاباتی از سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان در دولت دوم حسن روحانی به وضوح گویای شکل‌گیری یک فضای سیاسی جدید در کشور بود. زاویه گرفتن جریان اعتدالی روحانی با اصلاح‌طلبان و شکستن ائتلاف سابق حکایت از درک شرایط رو به تغییر از ناحیه اصلاح‌طلبان داشت. اصلاح‌طلبان حداقل این شانس را برای خود قائل بودند که در صورت پشت پا زدن به متحد قدیمی خود و نقد گسترده اعتدالگرایان بتوانند بند ناف خود را از آنان جدا کنند و با غالب کردن یک جنگ زرگری داخلی، این بار به نام اصلاح‌طلبان در ۱۴۰۰ رای بگیرند. واقعیت‌های میدانی فضای سیاسی و اجتماعی کشور، اما خود را به آنان تحمیل کرده بود و پیشاپیش خود را برای واگذاری قدرت به جریان مقابل آماده کرده بودند. این را بعداً در جریان شعارهای تیزوتند ناآرامی‌های چندماه اخیر امسال به ضرر جریان‌های سیاسی و ابراز ناامیدی مطلق مردم به اصلاح‌طلبان در راهبردهای آینده سیاسی کشور نیز فهمیدند.

پوشش گرفتن ذیل ناآرامی‌ها

اصلاح‌طلبان با علم به فاصله افتادن عمیق میان خود و مردم، چراغ خاموش و تدریجی، در فضای مجازی و شبکه‌های رسانه‌ای و گعده‌های سیاسی خود تلاش می‌کنند از پوسته اصلاح‌طلبی خارج شوند و چشم به امواج سیاسی و بطن تحولات جامعه بدوزند. اصلاح‌طلبی با این ترفند نیاز به پوستین و ظاهر جدیدی دارد، ولو نتواند از گذشته خود فاصله بگیرد. حوادث ماه‌های اخیر کشور می‌توانست بهترین بهانه برای به فراموشی سپردن کارنامه عملکردی اصلاح‌طلبان، پوشش گرفتن ذیل مطالبات و خودمطالبه گر شدن بین جمعیت عاصی و طغیانگر باشد. با این حال این نکته را فراموش کردند که حافظه کوتاه‌مدت عمومی هنوز فاصله زیادی از ۸ سال حضور آنان در بطن قدرت در ریاست‌جمهوری، مجلس و شوراها نگرفته و این شگرد حداقل در کوتاه‌مدت رافع نیاز آنها نخواهد بود.

تشکیلات به‌هم‌ریخته

جبهه اصلاحات یا همان شورای عالی سابق سیاستگذاری اصلاح‌طلبان از انتخابات ۱۳۹۸ مجلس به تشت در آرای میان اعضای این جریان و حامیان‌شان در بیرون افتاد؛ برخی تشکلهای عضو این جریان ساز جدا از جبهه اصلاحات زدند و برای انتخابات مجلس یازدهم فهرست دادند. همین اقدام منجر به تعمیق اختلافات میان گروه‌های اصلاح‌طلبی و بدنه آنها شد.

با استعفای محمدرضا عارف از ریاست جبهه اصلاحات، سکان آن به‌دست بهزاد نبوی افتاد، اما این انتخاب نیز از همان سال ۱۳۹۹ با توجه به سن بالای نبوی، محل اختلاف عمیق بین اصلاح‌طلبان بود و نتوانست همگرایی سابق را ایجاد کند. چهره‌های جوان اصلاح‌طلبی خواهان طرح و برنامه جدیدی بودند و رهاوردی از ادامه فعالیت جبهه اصلاحات نمی‌دیدند. این پیش‌بینی یک سال بعد و در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ محقق شد.

برخی اعضا حاضر به پذیرش نامزدی نشدند، بعضی با سابقه حضور در دولت روحانی راهی در انتخابات آینده نداشتند و برخی چهره‌های تیزوتند این جریان نیز با علم به ردصلاحیت و واقعیت‌های میدان سیاسی پا به ثبت‌نام‌ها گذاشتند. در نهایت نیز نبود یک راهبرد منسجم صحنه سیاست را برای یک دوره جدید به اصولگرایان واگذار کرد. بهزاد نبوی با استعفای اخیر خود از ریاست جبهه اصلاح‌طلبان یک‌بار دیگر شکاف‌های درون این جریان را آشکار کرد. او مشکلات جسمی و سن بالای خود را دلیل بر این استعفا دانسته است. این فرتوتی استعاره‌ای از شرایط رو به وخامت و پیراهن کهنه و نیازمند به تعویض اصلاح‌طلبی داشت.

بخش‌های گسترده‌ای از جریان اصلاح‌طلبی مدت‌هاست شروع به تغییر نام و جابه‌جایی راهبرد سیاسی خود کرده‌اند. سیدمحمد خاتمی اگر در انتخابات‌های ادوار اخیر به مردم توصیه می‌کرد برای «صلاح و پیشرفت کشور»، «رفع تنگناها و تهدیدها»، «سربلندی، تقویت امنیت و ثبات کشور» و «بهبود و اصلاح امور» در انتخابات مشارکت کنند، پس از حذف جریان متبوعش از عرصه سیاسی و افت شدید استقبال مردم از این جریان در بیانیه

اخیرش نوشت: «اصلاح‌طلبی به شیوه و روال تجربه شده به بن‌بست رسیده است.» و بلافاصله در جمله بعدی از نسبت این شکست با «نظام» سخن گفت. علت این شکست‌ها را هرچه بگیرند، اطراف و اکناف اصلاح‌طلبی زیرکی را در تغییر نام و طرح مواضع رادیکالی همسوی برخی شعارهای خیابانی دیده‌اند که بعضی موارد آن را در این گزارش می‌خوانید:

عبور از چهره‌های اصلاح‌طلبی

در یکی از صفحات مجازی اصلاح‌طلبان که اکنون با نام بامدادنو فعالیت می‌کند، درباره این تغییر نام آمده است: «اکنون حتی شخصیت‌های محترمی که با مشی اصلاح‌طلبی در جامعه شناخته شده‌اند، در مواضع اخیرشان، اصلاح‌طلبی به شیوه گذشته را ممتنع دانسته و معتقدند باید طرحی نو درانداخت و قطعاً این چتر سایه‌ای بسی گسترده‌تر از اسامی و چهره‌های مشهور به این نام دارد.»

« نه » ۷۵درصدی به اصلاحات

یکی از کانال‌های مجازی جریان اصلاح‌طلبی نیز در پس حوادث اخیر به یکباره تغییر نام خود به جبهه دمکراسی‌خواهی را اعلام رسمی کرد که البته در قالب یک نظرسنجی این کار را انجام داد. همین کانال جریان اصلاح‌طلبی در نتیجه یکی از نظرسنجی‌های خود با طرح این سؤال که «آیا اصلاحات مدنظر خاتمی، نبوی و حزب اتحاد ملت را برای کشور راهگشا می‌دانید؟» اعلام کرده بود: «نزدیک به ۳هزار نفر در نظرسنجی شرکت کردند و انتخاب گزینه خیر با ۷۵درصد را داشتند. به اصلاحات و اصلاح‌طلبان حکومتی نه گفتند و راهکارهای آنان را راهگشا نمی‌دانند.»

اعتبار تضعیف شده

«به‌نظر می‌رسد آن قدرت بسیج قبل و آن اعتباری که خاتمی در سال‌های پیش داشته تضعیف شده است.» احمد حکیمی‌پور، دبیرکل حزب اراده ملت با طرح این فرض گفته است: «چند سالی است که شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان برگزار نمی‌شود و مستقل کار می‌کنیم. فکر می‌کنم حداقل بخشی از اصلاح‌طلبان همیشه تمایل به بازگشت به قدرت را از خود به نمایش گذاشته‌اند. بالاخره هرکسی در هر شرایطی نسبت به وزن خود ایفای نقش می‌کند. در حال حاضر جامعه به وضعیت جدیدی رسیده و خواسته‌هایی را مطرح می‌کند که از برخی مرزهای گروه‌های رسمی عبور کرده است.»

همشهری